

گفتمان انقلاب اسلامی در مورد جایگاه سیاسی اجتماعی زنان با تاکید بر رویکرد دولت سازندگی و اصلاحات

فاطمه حقانی صرمی

دانشجوی دکتری گروه تاریخ اسلام، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه

آزاد اسلامی، تهران، ایران fhaghany@yahoo.com

۲- غلامحسین زرگری نژاد

استاد تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ایران (نویسنده مسئول)

zargari۵۳@gmail.com

۳- سینا فروزش

استاد یار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی،

تهران، ایران sinafrozezh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۲ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱۷

چکیده

در استانه انقلاب اسلامی گفتمان جدیدی در ایران در مورد زنان مطرح شد که میتوان آن را گفتمان انقلاب اسلامی نامید این گفتمان با نقد گفتمان های موجود در مورد زنان یعنی گفتمان سنتی و شبه مدرن رویکرد جدیدی را در نوع نگاه به زن در ایران مطرح ساخت. گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان گفتمان مسلط بعد از انقلاب در موضع قدرت قرار گرفت و به باز سازی جایگاه زنان پرداخت در این مقاله تلاش شده تا با روشی توصیفی - تحلیلی ضمن تبیین گفتمان های مذکور، رویکرد دولت سازندگی و اصلاحات را مورد بررسی قرارداد و به صورت خاص به این پرسش پاسخ داده شود که جمهوری اسلامی ایران تا چه اندازه به حقوق اجتماعی زنان به عنوان نیمی از کل جمعیت کشور به دیده احترام نگریسته است؟ فرضیه پژوهش حاضر بدینگونه است که تاکید گفتمان انقلاب اسلامی بر حضور فعال زنان در عرصه های اجتماعی و سیاسی است و جامعه ایران با فاصله گرفتن از گفتمان سنتی زمینه حضور زنان را در جامعه فراهم کرده است. بطوریکه همزمان با تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه زنان توانسته اند به موقعیت و پایگاه اجتماعی دست یابند.

کلید واژه: گفتمان، انقلاب اسلامی، زنان، دولت، سازندگی، اصلاحات

مقدمه

انقلاب‌ها به منزله گسست‌هایی در تاریخ سیاسی و اجتماعی ملت‌ها، از راه‌هایی گوناگون سرنوشت اجتماعی و سیاسی اعضای جوامع را متاثر کرده‌اند و از این رو همواره مورد توجه قرار گرفته‌اند. اگر انقلاب را تحول بنیادینی تعریف کنیم که مبتنی بر آرمان‌ها، ارزش‌ها و اندیشه‌های جدید انقلابیون همه ساختارهای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه را دگرگون و ساختارهای جدیدی را جایگزین آن می‌سازد، بی‌تردید هم‌گام با نظریه پردازان نسل چهارم انقلاب بر اهمیت دو مولفه در شکل‌گیری فرایند‌های انقلابی انگشت نهاده‌ایم. که عبارت‌اند از کارگزاران انقلابی و اندیشه‌ها و آرمان‌های آنها (فوران، ۱۳۸۲، ۱۳۶). جنسیتی از جمله مقولاتی است که کانون توجه این نسل از نظریه پردازان انقلاب است درباره بعد جنسیتی انقلاب جهان سوم برحسب راهبردها و پیامدهایشان برای زنان از آن حکایت دارد که مشارکت زنان در فرایند انقلاب از کیفیت و کمیتی متفاوت برخوردار بوده است.

بیان مسئله

چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد؛ انقلابی که اگرچه بنیان‌گذارش در یکی از اولین اعتراضات سیاسی خود در حکومت پهلوی با اعطای حق انتخاب کردن و انتخاب شدن به زنان مخالفت کرد اما پس از آن برخی از روحانیون سیاسی تاثیرگذار بر انقلاب همچون مطهری، بهشتی بر حضور زنان در جامعه تاکید کردند تا چهره‌ای متعادل‌تر از انقلاب را نشان دهند. مشارکت زنان در انقلاب اسلامی پدیده‌ای منحصر به فرد قلمداد نمی‌شود اما مردمی بودن انقلاب اسلامی مهمترین خصلت آن بوده است، و از آنجایی که زنان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند، انقلاب اسلامی زمینه را برای حضور گسترده و مؤثر زنان فراهم نمود. مطابق مطالعات انجام شده زنان نقش مهمی در دوران نهضت اسلامی داشتند. البته این حضور با توجه به شرایط مختلف سالهای نهضت متفاوت بوده است ولی در هر صورت و با طرق مختلف اعتراض خود را نسبت به وضعیت موجود که از نظر آنها نامساعد می‌نمود، نشان می‌دادند. از این رو مشاهده می‌کنیم که هر جا که مشارکتی از جانب مردان وجود داشته حضور زنان ثمربخش بوده است.

سوال پژوهش

حال این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که علیرغم این مشارکت و بعد از گذشت چهل سال پس از انقلاب تا چه اندازه جمهوری اسلامی ایران به حقوق اجتماعی زنان به عنوان نیمی از کل جمعیت کشور به دیده احترام نگریسته است؟

فرضیه پژوهش

این فرضیه بر این پژوهش استوار است که تاکید گفتمان انقلاب اسلامی بر حضور فعال زنان در عرصه های اجتماعی و سیاسی است و جامعه ایران با فاصله گرفتن از گفتمان سنتی زمینه حضور زنان را در جامعه فراهم کرده است. بطوریکه همزمان با تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه زنان توانسته اند به موقعیت و پایگاه اجتماعی دست یابند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه ای و نشریات معتبر ضمن پرداختن به وضعیت زنان در دوره قبل از انقلاب به بیان گفتمان های سنتی و تجدد گرایانه در این دوره ها پرداخته است و بعد از آن به بیان حضور زنان در انقلاب با تاکید بر رویکرد دو دولت سازندگی و اصلاحات پرداخته است.

مبانی نظری و روش شناسی پژوهش

نظریه گفتمان از جمله نظریاتی است که در سال های اخیر کاربرد وسیعی در حوزه های مختلف علوم اجتماعی پیدا کرده است. این نظریه با الهام از نظریه دسوسور بر اهمیت زبان در بازنمایی و بازسازی جهان اجتماعی تأکید می کند. بنا بر این نظریه دسترسی به واقعیت تنها از طریق زبان میسر می شود و نکته مهم این است که جهان محصول رقابت بین گفتمان ها است. براساس این نظریه، گفتمان ها ابتدا شروع به معناداری می کند و سپس بر اساس این نظام معنایی به وجود آمده به بازسازی فضای اجتماعی می پردازند. (حقیقت، ۱۳۸۵، ۵۱۰) از نظر آنها امور اجتماعی و سیاسی تنها در درون ساختهای گفتمانی قابل فهم هست. به بیانی روشن تر، از درون گفتمان های متفاوت، جهان متفاوت دیده می شود. گفتمان تعیین می کند چه کسی، چه چیزی را در چه زمانی، در چه مکانی و چگونه له یا علیه چه کسی بگوید (تاجیک، ۱۳۷۷، ۷-۸) در این مقاله هر یک از گفتمان ها به واسطه ی صورت بندی ویژه و نحوه ی جریان سلطه در آنها از یکدیگر متمایز می شوند. از جمله موارد دیگری که بر توانایی یک گفتمان مؤثر است، استراتژی برخوردی است که نسبت به سایر گفتمان ها به کار می برد، که می توان به استراتژی تسلیم در برابر دیگری، نفی و تحریم و برخورد نقادانه و گزینشی اشاره نمود از این مقاله سعی خواهد شد فرآیند شکل گیری و تحول هر گفتمان در رابطه با مسائل زنان و واکنش آنها در استقبال یا رویگردانی از این آموزه ها و نهایتاً تأثیر این تحولات گفتمانی نشان داده شود.

گفتمان سنتی درباره زنان

گفتمان سنتی تا پیش از هجوم گسترده تمدن غربی، در تمام حوزه ها و زمینه های اجتماعی مسلط بود و با توجه به جایگاه مذهب در جامعه ایران تبلور عینی و بیرونی اش غالباً شکل مذهبی داشت. در واقع اعتقادات مذهبی مبنای تعلیم و تربیت عمومی، روابط اجتماعی و ضمانت سلامت جامعه به شمار می آمد (نیکخواه قمصری، ۱۳۹۶، ۱۷۰)

گفتمان سنتی وضعیت فرودست یا حداقل متفاوت زنان را با تکیه به «طبیعت» و «نقش طبیعی» آنها به عنوان مادر- که وظیفه اش به وجود آوردن و تربیت فرزندان است- و به عنوان همسر- کسی که باید از شوهرش اطاعت کند- و دختر فردی که باید از پدر و گاهی برادر اطاعت کند- توضیح می داد و از آموزه های دینی و عرفی برای توجیه آن استفاده می کرد. (مشیزاده، ۱۳۷۸، ۱۴) در این گفتمان هدایت و کنترل خانواده بر عهده مرد است و تاکید بر مقوله مادری و خانه داری و فضیلت آن به مثابه بهترین فعالیت ممکن برای زنان تعریف شده در این گفتمان زنان از حق اختیار و ازادای عمل زیادی برخوردار نیستند (نیکخواه قمصری، ۱۳۹۰، ۸۹) در این گفتمان چگونگی حضور زن در حوزه اجتماعی نیز غالباً با همان الگوی حاکم بر خانواده مطابقت دارد در واقع اصل بر غیبت زن در جامعه است.

مسئله زن در اجتماع و مشارکت سیاسی او از جمله مسائلی است که در دوران مشروطه دچار چالش می شود. تحولات ناشی از آشنایی ایرانیان با غرب، انسجام گفتمان سنتی را به مبارزه طلبید انقلاب مشروطه نقطه عطف تحولات جدید بود. (الگار، ۱۳۶۹، ۲۷۳)

گفتمان تجدد گرایی در خصوص زنان

با انقلاب مشروطه ساختار نظم گفتمان سنتی فروریخت. به طوری که در این شالوده شکنی روابط به نسبت باثبات در گفتمان سنتی (چه در کلیت جامعه و دستگاه قدرت و چه درباره زنان) دچار اختلال شد. در انقلاب مشروطه زنان در نهضت ملی فعال شدند اما گروه های سازمان یافته زنانی که در این دوره به وجود آمدند، صرفاً به خاطر مسئله زنان تأسیس نشدند، بلکه عمدتاً بر پایه خواسته های مختلف سیاسی شکل گرفتند. (زیبا کلام، ۱۳۷۷، ۹۹) تقاضاهای اصلی زنان در این دوران یعنی تأسیس مدارس دخترانه، تشکیل انجمنهای زنان، نوشتن مقاله و نامه ها در جراید، همه و همه مجموعه های به هم بافته بود که هر یک در شکل گیری و آفرینش دیگری دخیل بودند. (نجم آبادی، ۱۳۷۸، ۴۶) زنان برای شکستن این سد هدف خود را تربیت زنانی عنوان می کردند که با کسب علم و دانش «نقش طبیعی زنان» را بهتر ایفا خواهند کرد.

بدین ترتیب مقارن با انقلاب مشروطه، مطالبات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی زنان هر چند به شکل محدود مطرح شد. آغاز اولین «دولت مدرن» در ایران، دوره های دیگر در ارائه ی الگوی جدید درباره ی زنان بود. انجام اقدامات و اصلاحات نوسازانه پهلوی در ایران، گفتار خاص خود درباره زنان را ایجاد کرد. نوسازی در ایران علیرغم تحولاتی که در وضعیت زنان به وجود آورد، جامعه را دچار بحران کرد. اقدامات دولت پهلوی، واکنش گفتمان سنتی را برانگیخت. جامعه به دو حوزه ی سنت و تجدد تقسیم شد. اگر چه انقلاب مشروطه اصول اصلی گفتمان سنتی نسبت به زنان را مورد تشکیک قرار داد اما تأسیس حکومت پهلوی به عنوان نقطه ی عطفی در تغییر شکل یا تبدیل گفتمان سنتی به تجدد بود. (فرهنگ رجایی، ۱۳۷۶، ۱۰۲). با روی کار آمدن حکومت پهلوی و گرایش آن به مدرنیزاسیون، موقعیت زنان نیز تحت الشعاع قرار گرفت. از

جمله مهمترین فضاهای گشوده به روی زنان، نظام آموزش و پرورش به سبک جدید بود که تا پیش از آن قلمرویی کاملاً مردانه تلقی می شد. گرچه گشایش این عرصه برای زنان در همه نقاط کشور به یک اندازه نبود، اما به نوبه ی خود توانست گشایش عرصه های دیگری چون اشتغال در حرفه های گوناگون را برای زنان به همراه آورد. (بروجردی، ۱۳۸۴، ۱۴۶) شیوه ی اجبار آمیز اجرای سیاست هایی چون کشف حجاب در مورد بانوان، توانست تأثیر متفاوتی برای آنها بر جای گذارد؛ بدین معنا که برخی را به خاطر حفظ ارزشهای سنتی، به دل کندن از همان حضور اجتماعی محدود مصمم ساخت و برخی را به بهای دل کندن از آن ارزشها روانه اجتماع نمود. (اتابکی، ۱۳۸۵، ۵۲). در سالهای پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و به دنبال آن اجرای سیاست های امنیتی- پلیسی، توسعه سرمایه داری وابسته و اجرای برنامه شتابان نوسازی اجتماعی و اقتصادی، ترویج زندگی مصرفی و الگوهای رفتاری غرب، بافت اجتماعی به شدت دگرگون شد و علی رغم برخی تلاشهای موضعی حکومت، انجام اقداماتی چون اعطای حق رأی به زنان و اصلاح برخی قوانین مرتبط با آنها، نتوانست پاسخگوی انتظارات مدنی و سیاسی زنان باشد. در پرتو این شرایط، شکاف میان زن سنتی و مدرن بیش از پیش افزایش یافت.

نکته حائز اهمیت این است که اصلاح وضعیت زنان در گفتمان پهلوی نه به خاطر خود زنان که به عنوان مظاهر نوگرایی انجام شد. بنابراین هیچ گونه تلاشی برای اصلاح نوع نگاه انسان شناسانه به زن در حوزه معرفت شناسی انجام نمی گرفت. (قوام و اسدی، ۱۳۹۳، ۲۵) اقدامات رضاشاه اندکی در خانواده و بیشتر در جامعه تأثیر گذاشت. مبنای حقوقی درباره زن همان بود که در گذشته وجود داشت. در قانون مدنی اکثر قوانینی که مبنای دینی داشتند، مورد تأیید قرار گرفتند. (تاجیک، ۱۳۷۹، ۶۱) از نظر سیاسی وضعیت آنان چه از نظر رسمی و چه علمی، تغییر چندانی نیافت. برای نمونه حق رأی باز هم به زنان گسترش نیافت. اما از نظر آموزش پیشرفت های حاصل شد که این پیشرفتها در آینده زمینه اشتغال و حضور اجتماعی را تسریع کرد. (همان، ۵۵) در دوران پهلوی دوم، گسستی در روند اصلاحات و سیر اقتدارگرایی روزافزون دولت پدید آمد و در این شرایط نهادهای مدنی رو به قدرت نهادند. (فوران، ۱۳۸۰، ۳۵۹) مهمترین تغییرات درباره ی زنان در قالب برنامه های نوسازی دولت رخ داد. متعاقب اقدامات اصلاحات دولت در سال ۱۳۴۱، شاه در برنامه اصلاحات شش ماده ای خود «انقلاب سفید» حق رأی زنان را تصویب و به مرحله اجرا درآورد. سرانجام در انتخابات مجلس ۲۱ در سال ۱۳۴۲ برای نخستین بار زنان در رأی دادن و کاندید شدن شرکت کردند. (ثقفی، ۱۳۷۴، ۵۴) در این شرایط با بالا رفتن قیمت نفت دگرگونی اساسی در ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران فراهم آورد که نیاز به نیروی کارتحصیل کرده را دو چندان می کرد. صنعتی شدن نیاز به نیروی کار را افزایش داده و تقاضای بازار کار همراه با تشویق دولت، موجب ورود زنان به عرصه بازار کار یعنی سپهر عمومی شد. در دهه های ۴۰ و ۵۰ در چارچوب حرکت سریع ایران به سوی صنعتی شدن و

مدرنیزاسیون تغییراتی در وضعیت حقوقی زنان ایجاد شد که عمده ترین آنها، قانون حمایت از خانواده بود. هدف این قانون محدود کردن یا غیرقانونی اعلام کردن تبعیضاتی بود که منجر به بی ثباتی خانواده می شد. از جمله اختصاص حق طلاق و حضانت برای مردان. این قانون جایگزینی برای قانون مدنی مصوب ۱۳۱۰ و قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶ نبود بلکه اصلاحیه ای بود بر این قوانین در راستای مدرن سازی جامعه. براساس این قانون حق طلاق (ماده ۱۸) و تصمیم گیری درباره حضانت فرزند (ماده ۱۰) به دادگاه حمایت از خانواده واگذار شد. براساس این قانون مرد بدون اجازه این دادگاه حق اختیار همسر دیگری نداشت (ماده ۱۴). مرد حق ممانعت از اشتغال همسرش در مشاغلی را که منافی مصالح خانواده یا حیثیت خود زن نباشد، بدون اجازه این دادگاه ندارد (ماده ۱۵). به طور کلی، تلاش روشنفکران برای تغییر جایگاه زنان در جامعه حول سه محور بوده است: (۱- تشکیل انجمن ها و سازمان های مربوط به زنان ۲) تشکیل مدارس دخترانه (۳)- انتشار روزنامه ها و مجلات ویژه زنان (کسرای و نیکخواه قمصری، ۱۳۸۸، ۱۱۳)

بنابراین گسترش نظام آموزشی از یک سو و عمومیت یافتن رسانه های عمومی چون رادیو، تلویزیون، سینما و نشریات مختلف به طور روزافزونی به دامنه ی مخاطبان گفتمان مدرنیزاسیون در شهرها می افزود. تا اینکه با وقوع انقلاب ۵۷ و آغاز دوران جدید، زنان ایران مانند تمام اقشار جامعه وارد دنیای انقلابی با داعیه های ارزشی جدید شدند.

گفتمان انقلاب اسلامی و زنان

در حالی که وجه قالب گفتمان انقلابی درباره ی زن، تأکید بر حضور اجتماعی زن در عرصه منازعات سیاسی تا پیروزی انقلاب بود، با پایان مبارزه حضور در عرصه عمومی نیز ضرورت خود را از دست داد و بر وجه اول گفتمان سنتی یعنی نگرش خانه نشینی و حضور در عرصه خصوصی پررنگ تر شد. پس از انقلاب بسیاری عقیده داشتند که زنان با شرکت خود در تظاهرات علیه شاه، نقش تاریخی خود را در جامعه به پایان رسانده اند و اکنون که انقلاب شده، و حکومت اسلامی برقرار گشته، جایگاه واقعی زنان در خانواده و تربیت فرزندان است. لذا بر جایگاه مادری آنها تأکید می شد. (مهرپور، ۱۳۷۹، ۱۵۱) اما در ادامه با شروع جنگ، تغییرات اساسی در جامعه ایران و در ادامه در وضعیت زنان رخ داد. وظیفه و نقش زن هم در چارچوب شرایط جنگی معنی می یافت. در این شرایط علاوه بر تأیید نقشهای سنتی که در گفتمان انقلابی برای زن تعریف شده بود، زنان همچنان به عنوان حامیان و مدافعان جامعه اسلامی مورد توجه قرار گرفتند دولت باید در برابر فشارهای وارد شده به دلیل جنگ، آشفتگیهای اقتصادی و انعطافت پذیری بازار کار واکنش نشان می داد. جنگ در کشور عرضه نیروی کار مردان را کاهش می داد بنابراین تقاضا برای عرضه نیروی کار زنان توسط دولت و بخش خصوصی افزایش پیدا می کرد. در این زمان نگرش حاکم در رابطه با همکاری زنان در کارهای بیرون از خانه، تغییر پیدا کرد. ولی فراموش نکنیم این تغییر نگرش متأثر از

تغییر اصول بنیادین گفتمان انقلابی نسبت به زن نبود بلکه این تغییر متأثر از شرایط حاصل از وجود جنگ در ایران بود بر همین اساس ماندگار نیز نماند. در این شرایط جنگی، زنان به انجام کار نیمه وقت تشویق می شوند. هر چند همچنان اولویت ماندن در خانه و تأکید بر نقش مادری و همسری بود. بر مبنای این الگو نقش زن در خانواده باید با نقش اجتماعی و سازگاری داشته باشد و انتظارات نیز مطابق با این الگو هماهنگ شود. مبحث زن در مسایل حقوقی همچنان مسکوت ماند ولی نقش او در زمینه ی اجتماعی یعنی اشتغال و آموزش دستخوش تغییرات شد. (هاشمی، ۱۳۸۱، ۱۶) از اوایل دهه ۷۰ به این سو، جامعه شاهد یک شکاف گفتاری با مشخصه های متفاوت است. وجه ممیزی گفتار جدید تأکید بر عناصر عقلانی در مقابل گفتاری بود که خود را ارزشی می خواند. (یزدخواستی، ۱۳۷۲، ۱۷۹) این جریان جدید که خود را «سازندگی» می خواند، رشد و توسعه جامعه را به عنوان هدف اصلی خود معرفی می کرد. لذا گفتار فردگرایانه ای که بیشتر به آمال، خواسته های فردی و مفاهیم دنیاگرایانه می اندیشید، پررنگتر شد. (کاشی، ۱۳۷۹، ۳۶۳) (اصلاحات دوره سازندگی بر مسائل زنان نیز تأثیر گذاشت دولت محدودیتهایی را که در زمینه اشتغال و آموزش اعمال می کرد، کاهش داد. قوانین خانواده در رابطه با رشد جمعیت مورد نقد قرار گرفت و اصلاحاتی در زمینه قوانین ازدواج، طلاق و حضانت فرزندان صورت گرفت. (هاشمی، ۱۳۸۱، ۱۲۵)

گفتمان نوگرایی و زن

گفتاری که در جریان انتخابات دوم خرداد ظاهر شد، تبلور گفتاری بود که اوایل دهه ۷۰ بروز و نمود یافته بود. برنامه های اقتصادی این دوره، پیامدهای فرهنگی به دنبال داشت. از جمله این پیامدها، باز شدن فضا برای طرح گفتاری بود که گفتمان انقلاب و دوره پس از آن را مورد پرسش قرار می داد و خود را به عنوان گفتمانی عقلانی معرفی میکرد. (رستمی، ۱۳۷۹، ۸۶) این صورت بندی جدید با جریان فکری آغازشدکه در قالب به پرسش کشیدن تقدس آموزه های دینی بیان می شد که در این مجال آن را "گفتمان نوگرایی دینی" می خوانیم.

اما گفتمان نوگرایی دینی می پذیرند که جهان معاصر همواره در حال تغییر است و دین و تحولات جهان بیرونی ناگزیر باید با تمامیت دینی تلفیق یابد. اما راه حل آن بازسازی عقلانی فکر دینی نیست. از نظر آنان «حقیقت دین» تغییر ناکردنی است. چرا که دین نیست که باید تغییر کند. بلکه «درک ما» از آن است که باید دگرگون شود. محور این گفتمان «حقوق بشر»، «عدالت»، «عرف گرایی» و «قانونمداری» و «اخلاق» است که حول «نگاه انسان مدارانه به زن» مفصل بندی شده است. این گفتمان با چالش در فقه سنتی براساس عقلانیت انتقادی، تلاشهای بسیاری برای گسترش تنگناهای حقوقی زنان انجام داد که برخلاف گذشته مواردی مثل اشتغال و آموزش را دربر نمی گرفت، بلکه افق معنای جدید، بسط حقوق در اجتماع و خانواده به منظور کاستن از اختیارات شوهر، گرفتن حق طلاق، حق تملک بیش از حدود و ثغور مهریه، آزادی اختیار

شغل و همچنین دعاوی سیاسی او برای احراز برخی مشاغل همنوع مانند قضاوت و یا کاندیدا شدن برای پست ریاست جمهوری را شامل می‌شد. و بدین ترتیب مسأله زن در مرکز مباحث سیاسی این گفتمان قرار گرفت. با توجه به آنچه در ارتباط با زنان و گفتمان‌های مختلف بیان شد لازم است به عملکرد دولت‌های بعد از انقلاب از جمله دولت سازندگی و اصلاحات بپردازیم تا ببینیم این دو دولت در خصوص زنان چه برنامه‌های را ارائه داده‌اند.

دولت سازندگی

در مردادماه ۱۳۶۸ پنجمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در کشور برگزار شد. این دوره از انتخابات از ویژگی‌های خاصی برخوردار بود که آن را از دوره‌های پیشین متمایز می‌ساخت. عمده‌ترین ویژگی‌های این دوره از انتخابات عبارت بود از: پایان یافتن جنگ ایران و عراق، رحلت امام خمینی، انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر جدید جمهوری اسلامی، اصلاح قانون اساسی، افزایش اختیارات رئیس‌جمهور و حذف پست نخست‌وزیری در قانون اساسی. آقای هاشمی رفسنجانی که از حمایت قاطع گروه‌های سیاسی موجود از جمله روحانیت و روحانیون برخوردار بود با ۹۴/۵ درصد آرا به ریاست جمهوری انتخاب شد (سفیری، ۱۳۷۸، ۱۲۸).

تحولات اجتماعی دولت سازندگی

دگرگونی در عرصه اجتماعی و فرهنگی کشور که از ابتدای انقلاب آغاز شده بود در شرایط سیاسی اقتصادی خاص دهه اول رشد کرد و در دهه دوم انقلاب به شکل بارزی ظهور نمود و به تدریج این تحولات فضای کلی کشور را دگرگون ساخت. در این دوران جمعیت کشور در مدت نزدیک به دو دهه تقریباً دو برابر شد و به حدود ۶۰ میلیون نفر در سال ۱۳۷۵ رسید. این گروه جمعیتی انبوه و جوان، با سلیقه‌ها و علاقه‌های خاص دوران نوجوانی و جوانی، متولد و پرورش یافته دوران پس از انقلاب بودند. این پدیده به انقلاب جمعیتی معروف است و در فاصله‌ای کوتاه یک جامعه را به جامعه‌ای دیگر تبدیل می‌کند و طبعاً خواست‌ها، انتظارات و نگرش‌های تازه‌ای را در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به دنبال می‌آورد. (ربیعی، ۱۳۸۰، ۱۳۲)

در کنار افزایش جمعیت کشور، ورود زنان به عرصه اجتماع، که به لطف فضای فرهنگی به وجود آمده پس از انقلاب صورت گرفت، باعث شد تا زنان به ویژه زنان سنتی بیش از پیش اعتماد به نفس پیدا کنند. افزایش آگاهی زنان، بالا رفتن میزان سواد و افزایش سطح تحصیلات عالیه زنان موجب شد تا از موقعیت و شرافت اجتماعی بهتری برخوردار شوند. این افزایش منزلت اجتماعی به طور کلی موجب تحکیم موقعیت زنان در خانواده شد. از طرف دیگر رشد زنان جوان و تحصیل کرده زمینه تقویت گفتمان برابری حقوق زنان و مردان

را فراهم ساخت. گفتمان فمینیستی چه از نوع اسلامی آن (در چهارچوب اسلام) و چه از نوع غیردینی، خواستار بهبود بخشیدن به وضعیت زنان در خانواده و جامعه بود و تقسیم کار مبتنی بر جنسیت را در همه حوزه‌ها رد می‌کرد. (شریف، ۱۳۸۱، ۶۶)

از سوی دیگر از نظر محل سکونت، جمعیت شهرنشین در کشور افزایش یافت. به طور کلی علاوه بر جاذبه‌های شهرنشینی، (مانند رفاه بیشتر و وجود امکانات اقتصادی و برنامه‌های بهداشتی آموزشی و سیاسی در شهرها) می‌توان گفت که برنامه‌های توسعه همچون گسترش ارتباطات، افزایش سطح سواد و...، خود عامل مهمی در تشویق و هدایت روستاییان به شهرها بود. برنامه‌های عمرانی پس از انقلاب اسلامی که توسط نهادهایی مانند جهاد سازندگی در روستاها انجام گرفت، این روند را تسریع کرد.

اجرای برنامه‌های عمرانی و خدماتی در روستاها از جمله: گسترش وسیع جاده‌ها، توسعه شبکه برق و ارتباطات، توسعه آموزش و پرورش، افزایش خدمات بهداشتی و انجام سایر خدمات اجتماعی، باعث شد بخش اعظمی از جمعیت روستایی و عشایری دارای گرایش‌های شهری و خواستار مطالباتی مشابه طبقه شهری شدند.

از دیگر شاخص‌های تحولات اجتماعی در این دوره، گسترش جمعیت باسواد کشور بود. در سال ۱۳۶۵ حدود ۱۲/۸ میلیون نفر از جمعیت کشور باسواد بودند. این رقم در سال ۱۳۷۵، به ۴۳ میلیون نفر رسید. در سال ۱۳۵۶ نسبت باسوادان در جمعیت هفت سال به بالای کشور ۴۷/۵ درصد بود که در سال ۱۳۷۵ به سطح ۷۹/۵ درصد ارتقا یافت. در سال ۱۳۷۵ نسبت باسوادان در مناطق شهری ۸۶ درصد بود که اگر جمعیت پیر و از کارافتاده بی‌سواد از این آمار خارج شوند، بیش از ۹۰ درصد جمعیت فعال کشور در آن سال باسواد بودند.^۱ این تغییر در نرخ جمعیت باسوادان کشور، باعث افزایش سطح فرهنگ عمومی و شکل‌گیری قشر روشنفکر و طبقه‌ی جدید اجتماعی و ظهور فرهنگ جدید سیاسی در کشور شد. (فوزی، ۱۳۸۴، ۲۷۳)

تحولات فرهنگی دولت سازندگی

در این دوره، دگرگونی بزرگ ساختاری در بنیادهای اجتماعی و فرهنگی کشور به وقوع پیوست. گسترش مدارس و دانشگاه‌ها، تحول در شبکه ارتباطی درون‌شهری و ایجاد پیوند مستقیم میان شهرها و روستاها، افزایش گسترده شهرها و تبدیل جامعه روستایی موجود به جامعه‌ای نیمه‌شهری یا شبه شهری، گسترش وسایل و امکانات ارتباطی و... که می‌توانست زیربنای مفیدی برای توسعه‌ی کشور باشد. متأسفانه این تحولات بزرگ، به دلیل نگرش تک بعدی دولت سازندگی به توسعه و اولویت اقتصادی، مشکلات اجتماعی

^۱ . سازمان برنامه و بودجه. اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران.

و فرهنگی زیادی را برای کشور به دنبال داشت که از جمله می‌توان به مهاجرت از روستاها، شکاف طبقاتی، ترویج روحیه مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی و کم‌رنگ شدن ارزش‌های انقلابی اشاره کرد.

تأثیر اولویت‌های اقتصادی برنامه‌ی توسعه در کمیّت و محتوای برنامه‌های رادیو و تلویزیون نیز قابل مشاهده است. میزان تولید و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در این دوره رو به رشد بود و مسائل ارتباط‌جمعی گسترش داشت اما به لحاظ جهت‌گیری با دهه‌ی اول انقلاب متفاوت بود. در حالی که در طول دهه اول انقلاب محتوای اکثر برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی عمدتاً موضوعات مذهبی - انقلاب و مروج فرهنگ ساده زیستی و بی‌اهمیتی مسائل مادی و مصرف‌گرایی بود، در این دوره جهت‌گیری برنامه‌ها کاملاً معکوس شد و ترویج فرهنگ مصرفی و ارزش دادن به مادیات در مقابل معنویات در دستور کار قرار گرفت؛ به طوری که برای پر کردن ساعات پخش برنامه از یک سری فیلم‌ها و سریال‌های خارجی استفاده می‌شد که این مجموعه‌ها به سهم خود در تغییر دادن ارزش‌ها و آشنا شدن مردم با ارزش‌های دیگر نقش مهمی داشت.

از طرف دیگر پیامدهای اقتصادی مخصوصاً خصوصی‌سازی و برنامه‌های تعدیل اقتصادی بر حوزه فرهنگ و تحول در ارزش‌ها تأثیرگذار بود. خصوصی‌سازی زمینه را برای رشد طبقه جدید متوسط اقتصادی فراهم کرد و برنامه تعدیل به افزایش شکاف اقتصادی و اجتماعی دامن زد. مجموع این تحولات شرایط را برای تغییر برخی نگرش‌ها و ارزش‌های فرهنگی در جامعه فراهم آورد. در حوزه‌ی فرهنگ عمومی نیز به تدریج از ارزش‌های جمع‌گرایانه کاسته شد و ارزش‌های فردگرایانه جانشین آن‌ها شد. در این دوره علاوه بر تغییر نگرش در ارزش‌ها برخی چالش‌های فکری و اندیشه‌های جدید نیز در بین اسلام‌گرایان مطرح شد؛ از جمله این چالش‌ها می‌توان به اختلاف نظر در مورد فقه سنتی و فقه پویا و یا مسئله تکثرگرایی دین در مقابل قرائت واحد از دین، همچنین بحث رابطه دموکراسی و اسلام اشاره کرده که از جمله چالش‌های فرهنگی و فکری دهه ۷۰ بود. (همان، ۲۸۰)

زنان و رویکرد دولت‌سازندگی

در اوایل انقلاب به دلیل وضعیت سیاسی حاکم بر کشور و وقوع جنگ تحمیلی و درگیر بودن جامعه در این جنگ، قریب به ۱۰ سال طول کشید تا سیاست‌گذاران به فکر بیفتند که در حوزه‌ی زنان، به مرکزی نیاز است تا با شناخت صحیح از چند و چون مسائل این حوزه، به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بپردازد. در همین راستا، شورای فرهنگی اجتماعی زنان با هدف سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان در مسائل فرهنگی و اجتماعی زنان و ایجاد هماهنگی‌های لازم در این امور، بر اساس مصوبه صد و پانزدهمین جلسه مورخ

۱۳۶۶/۳/۱۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی و به پیشنهاد رئیس‌جمهور وقت، آیت‌الله خامنه‌ای تشکیل و از تیرماه سال ۱۳۶۷ کار خود را آغاز کرد.

وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی

شورای زنان در شورای عالی انقلاب فرهنگی صرفاً وظیفه سیاست‌گذاری دارد. سیاست‌ها از طرف شورای زنان به شورای عالی انقلاب فرهنگی پیشنهاد می‌شود و پس از طی مراحل به تصویب می‌رسد. سپس این مصوبات به دوایر مختلف ابلاغ می‌شود و تمامی وزارت‌خانه‌ها و مدیران اجرایی باید آیین‌نامه‌های مخصوص خود را بر اساس آن سیاست‌ها در بحث زنان و خانواده استخراج و بدان عمل کنند.

محورهای اصلی وظایف و آیین‌نامه شورای زنان، به این شرح است:

تغییر فرهنگ و تصحیح باورهای جامعه نسبت به جایگاه و شخصیت زن، ارتقاء سطح فرهنگی جامعه زنان (در سطوح فرهنگ عمومی و کلاسیک)، تحقیقات و ایجاد حمایت‌های اجرایی و تدوین قوانین حمایتی، ارتقاء جایگاه خانواده و استحکام آن بر مبنای حقوق و اخلاق، ایجاد ارتباط و هماهنگی با سایر نهادها، توسعه و تقویت مشارکت فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تقویت کیفی اوقات فراغت زنان و ارتقاء و توسعه فعالیت بین‌المللی زنان. (مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی)

دفتر امور بانوان در دولت سازندگی

چنان که گفته شد فعالیت‌های شورای فرهنگی - اجتماعی زنان در سطح سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بود و ارتباط مستقیمی با مسائل اجرایی نداشت. به همین دلیل مسئولین وزارت کشور برای انسجام و ساماندهی فعالیت‌های مرتبط با مسائل زنان و تقویت بعد اجرایی، پیشنهاد دادند دفتری برای رسیدگی به امور بانوان در وزارت کشور تشکیل شود. هسته اولیه کمیسیون‌های امور بانوان در سال ۱۳۶۸ به صورت آزمایشی در فرمانداری قم آغاز شد و در سال ۱۳۶۹ در سراسر کشور شکل گرفت. قدم بعدی، تأسیس «دفتر امور بانوان» در نهاد ریاست جمهوری بود که در سال ۱۳۷۰ به پیشنهاد رئیس‌جمهور وقت در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید و «شهلا حبیبی» به عنوان اولین مشاور رئیس‌جمهور در مسائل زنان و رئیس دفتر امور بانوان برگزیده شد. تشکیل دفاتر امور زنان در سایر دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی نیز ادامه یافت. به طوری که به گفته شهلا حبیبی در پایان دوره سازندگی تقریباً جایی نبود که دفتر امور زنان نداشته باشد. مقارن با این فعالیت‌ها در مجلس پنجم نیز کمیسیون زن، خانواده و جوانان در مجلس شکل گرفت و اداره کل امور زنان در قوه قضائیه به همت آیت‌الله یزدی تأسیس شد که به گفته حبیبی، ثمره ارتباط بین دولت و مجلس

و قوه قضائیه در این زمینه تصویب قوانینی چون قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست، قانون قاضی مشاور، اجرت المثل زنان و تصویب ارائه مهریه به نرخ روز و قانون سختی کار پرستاران و همسران جانبازان و همچنین تأسیس مجتمع قضایی خانواده بود.

شاید بتوان گفت مهم‌ترین مشارکت گسترده زنان در دولت سازندگی حضور در کنفرانس پکن بود بیش از صد زن ایرانی به ریاست مشاور رئیس جمهور در امور زنان، در چهارمین کنفرانس جهانی زن (۱۳۷۴) در پکن شرکت کردند، هر چند پیش از آن، زنانی از ایران در کنفرانس‌هایی چون: سومین کنفرانس جهانی زن در نایروبی (۱۳۶۴) و کنفرانس جمعیت و توسعه قاهره (۱۳۷۳) حضور یافتند، اما این حضورها از نظر کمی و کیفی با کنفرانس پکن قابل مقایسه نبود. زنانی که به کنفرانس پکن رفتند، برخی از سازمانهای دولتی و دیگران از بخش‌های غیر دولتی بودند، و جالب آن که دفاع برخی غیر دولتی‌ها از نظام، انقلابی‌تر از دولتی‌ها بوده است، البته ترکیب هیأت به گونه‌ای بود که زن قدر قدرتی که خود دولتی است را به تصویر نمی کشید. از این رو، علی‌رغم کم‌تجربگی زنان ایرانی در چگونگی استفاده از محیط‌های بین‌المللی، این هیأت توانست توجه رسانه‌های بین‌المللی را به خود جلب کند، به حدی که اگر دولت، میلیونها تومان هزینه می کرد، نمی توانست تا به این میزان، رسانه‌های بین‌المللی را متوجه جمهوری اسلامی و موقعیت مناسب زن در آن نماید. (موسوی کاشمری، ۱۳۸۴، ۲۳)

یکی از تأثیرات کنفرانس ۱۳۷۴ پکن بر امور زنان ایرانی آن بود که برنامه عملی ملی زنان جمهوری اسلامی بر اساس سند پکن تنظیم شد که حرکت‌ها و فعالیت‌های بین‌المللی بعدی زنان ایران، بر پایه آن شکل گرفت. در این چارچوب، ایجاد تقویت و تحکیم مناسبات دو و چند جانبه و بین‌المللی در بخش زنان وارد مرحله جدیدی گردید و برقراری ارتباط با سایر کشورها و حضور مؤثرتر و کارآمدتر در مجامع جهانی در دستور کار قرار گرفت که حاصل آن، شرکت زنان در اجلاس‌های سالیانه کمیسیون مقام زن، اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ (اجلاس پکن + ۵) در نیویورک و اجلاس منطقه‌ای آن در بانکوک (۱۳۷۸)، اجلاس عالی رتبه بین‌الدولی منطقه آسیا و اقیانوسیه به منظور بررسی چگونگی اجرای اسناد پکن و پکن + ۵ در بانکوک (شهریور ۱۳۸۳) و اجلاس ۴۹ کمیسیون مقام زن (اسفند ۱۳۸۳) و دهها کنفرانس تخصصی و منطقه‌ای دیگر بوده است. (مولوردی، ۱۳۸۴، ۱۶۵)

از فعالیت‌های عمده دفتر امور بانوان در دوران سازندگی می‌توان به برگزاری اولین دوره آموزش مدیریت دولتی برای زنان، ورود زنان به دانشکده وزارت امور خارجه، احیای بخش پژوهش در حوزه زنان، بازنگری قانون مدنی و بررسی مشکلات زنان سرپرست خانوار، تشکیل معاونت ارتباطات داخلی برای تشویق و تقویت سازمان‌های غیردولتی زنان و ایجاد معاونت ارتباطات بین‌المللی اشاره کرد. سال

۱۳۷۵ در پایان مهلت تیم دفتر امور بانوان بود. (حبیبی، ۱۳۷۶، ۱۳) شهلا حبیبی در آخرین مصاحبه‌های کاری خود فقدان قدرت اجرای و نفوذ کافی برای پیگیری مسائل زنان را از ضعف‌های ساختاری دفتر امور بانوان دانست و افزایش کارایی دفتر امور بانوان را منوط به وجود آمار و اطلاعات به تفکیک جنسیت و ایجاد ساختاری که قابلیت سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و طراحی داشته باشد دانست.

البته دستاوردهای این دولت در حوزه مسائل زنان به فعالیت این نهادهای ویژه محدود نمی‌شود و رشد چشمگیر شاخص‌هایی مانند وضعیت آموزشی و بهداشتی زنان، حاصل تلاش‌های عمومی در جهت توسعه و سازندگی کشور و تلاش‌های خاص در این حوزه بر اساس سرفصل‌های برنامه اول و دوم توسعه بود. بالا بردن سطح سواد و دانش عمومی افراد جامعه، به خصوص افزایش ضریب پوشش تحصیلی دختران لازم‌التعلیم؛ اعتلای موقعیت زنان از طریق تعمیم آموزش و افزایش زمینه‌های مشارکت زنان در امور اقتصادی اجتماعی جامعه و خانواده؛ ارتقای سطح سلامت افراد جامعه و کاهش مرگ و میر مادران و کودکان از سرفصل‌های اصلی مرتبط با زنان در برنامه اول بود. ضمناً در قسمت سیاست‌های کلی بخش تربیت‌بدنی در برنامه اول، بند ۹-۷، «توجه بیشتر به ورزش بانوان» قید شده بود. (شجاعی، ۱۳۸۳، ۲۴۹)

با آغاز برنامه دوم و با توجه به شروع فعالیت دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری و سایر تشکیلات و سازمان‌های غیردولتی، موارد دیگری وارد برنامه دوم شد؛ توجه ویژه در برنامه‌ریزی‌ها و اختصاص امکانات به مسائل تربیت‌بدنی و پر کردن اوقات فراغت بانوان، مشارکت بیشتر زنان و بانوان در امور اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اقتصادی با حفظ شئون خانواده و ارزش‌های متعالی شخصیت اسلامی زن. همچنین دولت مکلف شد نسبت به ایجاد و اختصاص امکانات ورزشی برای دانش‌آموزان دختر با توجه به حفظ شئون زن در جامعه اسلامی اقدام نماید. (زعفرانچی، ۱۳۸۵، ۱۲۸)

دولت اصلاحات

هفتمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در دوم خرداد ۱۳۷۶ با حضور چهار نامزد انتخاباتی برگزار شد که در نهایت حجت‌الاسلام سید محمد خاتمی با اکثریت قاطع آرا به ریاست‌جمهوری انتخاب شد.

خاتمی تبلیغات انتخاباتی خود را روی توسعه سیاسی و فرهنگی متمرکز ساخت و بر ضرورت تقویت جامعه مدنی، قانون‌گرایی، حقوق زنان و جوانان و سرانجام تنش‌زدایی در روابط خارجی تأکید کرد. خاتمی با توجه به موقعیت و برنامه‌ها و شعارهایش به عنوان منتقد و مخالف وضع موجود و منادی دگرگونی‌های اساسی به ویژه در عرصه‌های سیاسی و فرهنگی تلقی می‌شد. حتی در زمینه مسائل اقتصادی نیز، که خاتمی اصولاً در برنامه‌ها و تبلیغات خود تأکید چندانی بر آن‌ها نکرده بود، باز هم توده مردم به دلیل ناخرسندی از وضع

موجود اقتصادی، روی کار آمدن خاتمی را به مثابه فرصتی برای بهبود اوضاع اقتصادی خود تلقی کردند. (فوزی، ۱۳۸۴، ۳۱۴) در ۱۸ خرداد سال ۱۳۸۰ هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری نیز برگزار شد. در این انتخابات خاتمی با ۲۱ میلیون و ۶۵۶ هزار و ۴۷۶ رأی حائز اکثریت آرا و برای بار دوم به ریاست جمهوری برگزیده شد.

تحولات فرهنگی و اجتماعی دولت اصلاحات

عمده تحولات فرهنگی و اجتماعی این دوره را باید در گسترش و تنوع مطبوعات، توجه به احزاب و گروه‌های سیاسی، تلاش در جهت تبیین مفاهیمی همچون آزادی، مردم‌سالاری، رابطه دین و مردم‌سالاری، جامعه مدنی و اصلاحات، مشارکت عمومی و... و در یک جمله باز شدن فضای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور جستجو کرد.

اشاعه گسترده سطح سواد، سطح تحصیلات دانشگاهی، گسترش آموزش عالی در روستاها و شهرهای مختلف کشور، افزایش سطح سواد زنان در جامعه، همگی موجب رشد اقشار جدید فرهنگی در جامعه با خواست‌ها و علایق و نیازهای جدید گردید. این تحول فرهنگی را برخی شاخص‌ها همچون تیراژ کتاب و مطبوعات در کشور به خوبی نشان می‌دهد. تیراژ کتاب به سرعت طی سال‌های بعد از جنگ افزایش یافت و همراه با آن تنوع در انتشار نیز به وقوع پیوست. مطبوعات رشد چشمگیری یافت. تعداد روزنامه‌ها و تیراژ آن‌ها نسبت به نفر به میزان قابل توجهی افزایش یافت. ساعات تولید برنامه در صداوسیما و تعداد کانال‌های تلویزیون زیاد شد و این تحولات از یکسو، موجب رشد یک طبقه فرهنگی جدید و از سوی دیگر، نشان‌دهنده رشد آن طبقه تحصیل کرده با گرایش‌ها و ارزش‌های نوین بود. این قشر به تدریج تأثیر خود را بر گروه‌های دیگر همچون خانواده، روستا، محله و شهر بر جای گذاشت و روزنامه‌ها و سایر مطبوعات جدید نیز ذائقه‌ها و خواست‌های جدید این قشر را به جامعه عرضه کردند و این جنبش فکری به تدریج اندیشه‌ها و سلاقی جدیدی را به جامعه تزریق نمود و انگاره‌هایی چون آزادی، حقوق مدنی، روشنفکری، قانون‌گرایی و غیره به عنوان گفتمان غالب قرار گرفت. (قبادی، ۱۳۸۰، ۱۰۳)

فضای سیاسی کشور از انبساط، تحرک و تنوع قابل ملاحظه‌ای برخوردار بود و طرح مسائل و خواست‌ها و انتقادات گوناگون از سوی گروه‌های مختلف، چه در مطبوعات و چه در گروه‌های سیاسی، نشانه‌های یک جنبش سیاسی اصلاح طلبانه را با خود داشت. این انتقادات و درخواست‌ها که روزه‌روز گسترش و عمق بیشتری پیدا می‌کردند، از تنوع خاصی برخوردار بودند؛ از تحقق حقوق و آزادی‌های فکری و سیاسی تا ضرورت بازنگری در تفسیرهای محافظه‌کارانه؛ از تحقق حقوق و آزادی‌های گروه‌های مختلف به ویژه زنان

و جوانان تا نحوه روابط و معاشرت‌های اجتماعی، از ضرورت بهبود اوضاع اقتصادی و معیشتی مردم تا طرح برخی خواسته‌های قومی - زبانی.

رشد نهادهای مدنی و تشکل‌های غیردولتی یکی دیگر از تحولات این دوره است. طی این سال‌ها زمینه سازماندهی مشارکت مردم در انجام فعالیت‌های تخصصی و عام‌المنفعه در قالب تشکل‌های غیردولتی (NGO) و انجمن‌های تخصصی با واگذاری اختیار صدور مجوز تشکیل این نهادها و حمایت از آنها به وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های مسئول فراهم شد که منجر به تأسیس و تقویت تشکل‌های غیردولتی و انجمن‌ها و نهادهای تخصصی در زمینه‌های مختلف گردید. (روزنامه اطلاعات اسفند ۱۳۷۹، ۱۰) حضور این نهادهای مدنی در حوزه‌هایی مثل مسائل زنان، جوانان، محیط‌زیست، صنعت، قومیت‌ها و مطبوعات به تدریج تأثیر خاص خود را در تحولات اجتماعی فرهنگی کشور نشان داد. یکی از مهمترین نهادهای جامعه مدنی شوراهاست که فصل خاصی را در قانون اساسی کشور به خود اختصاص داده است. برگزاری انتخابات شوراها یکی از مهمترین عملکردهای دولت اصلاحات در زمینه افزایش نقش و سهم مردم در اداره امور مربوط به کشور و کاهش تصدی دولت بود.

ورود بیش از ۱۰۷ هزار عضو در شوراهای شهر و روستا خود فرصت جدیدی را برای اعمال نظر و مدیریت مردم به وجود آورد. همچنین طی سال‌های ۷۶ تا ۸۰ احزاب از رشد زیادی نسبت به قبل برخوردار شدند؛ به طوری که در سال ۸۰ حدود ۸۲ گروه و حزب سیاسی دارای پروانه رسمی در وزارت کشور به ثبت رسیده است که در مقایسه با رقم قبل از دوم خرداد (۳۹ گروه و حزب) جهش مناسبی را نشان می‌دهد. (همان، ۱۱)

تلاش برای پرداختن به مسائل برخی اقشار اجتماعی مانند زنان و جوانان از اولویت‌های خاصی برای دولت برخوردار بود. طی سال‌های مذکور و تشکیل مرکز مشارکت زنان با مسئولیت مشاور رئیس‌جمهور، اقداماتی به منظور افزایش مشارکت زنان در فعالیت‌های جامعه تشدید شد. این روند هرچند از آغاز انقلاب مخصوصاً بعد از جنگ شدت گرفته بود اما در این مقطع منجر به افزایش تعداد سازمان‌های غیردولتی زنان و مشارکت بیشتر زنان در امور سیاسی اجتماعی و فرهنگی گردید.

دفتر امور زنان در دولت اصلاحات

شعارهای محوری کاندیداهای ریاست‌جمهوری حول محور زنان از قبیل ایجاد وزارتخانه بانوان، شورای عالی زنان، انتخاب وزیر زن در کابینه و رفع معضلات بانوان، شرایط مساعدی را برای روی کار آمدن دولت اصلاحات ایجاد کرد. با روی کار آمدن دولت اصلاحات، فعالیت‌ها در حوزه زنان با رویکردی تازه آغاز شد.

مرکز امور زنان دوره جدید فعالیت خویش را با هدف بهبود بخشی به وضعیت زنان ، حمایت از سازمان‌ها و تشکیلات دولتی و غیردولتی زنان و ایجاد هماهنگی بین آن‌ها آغاز کرد. (شجاعی، ۱۳۸۳، ۱۸۰)

دفتر امور بانوان در این دوره به «مرکز امور مشارکت زنان» ارتقاء یافت تا سرعت و قدرت بیشتری به تیم کاری جدید بدهد و در این بستر تازه با قوت دنبال شود. ریاست این مجموعه به زهرا شجاعی سپرده شد. به موجب مصوبه شهریورماه ۱۳۷۷ هیئت‌وزیران، زهرا شجاعی، مشاور رئیس‌جمهور و رئیس مرکز امور مشارکت زنان در هشت سال دولت اصلاحات، به عضویت کمیسیون‌های امور اجتماعی و فرهنگی هیئت دولت در آمد و در جلسات کابینه حضور یافت تا ارتباط کارآمدی بین امور زنان و سایر مسائل مطرح در هیئت دولت شکل بگیرد و بر روند بهبود وضعیت زنان تأثیر بگذارد.

تدابیر مرکز امور زنان برای بهبود وضعیت زنان:

-بسترسازی فعالیت‌های گسترده در سطح رسانه‌های ملی و افکار عمومی

- تقویت مرکز امور مشارکت زنان از طریق ارتقاء سطح تشکیلات، عضویت رئیس مرکز در کابینه، افزایش قابل توجه بودجه
- افزایش سهم زنان در بودجه سالانه دولتی به ویژه برای برنامه‌های فقرزدایی از زنان محروم، روستایی و سرپرست خانوار
- گسترش و تقویت کمیسیون‌های بانوان در سراسر کشور
- افزایش کانون‌های فرهنگی - اجتماعی زنان
- گسترش مدارس شبانه‌روزی برای دختران به ویژه در مناطق روستایی و محروم
- تقویت و توسعه مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای برای دختران
- افزایش دفاتر امور زنان قوه قضاییه
- انتصاب زنان به مناصب تصمیم‌گیری
- برگزاری دوره‌های آموزشی خاص مدیران زن

- شناسایی مشکلات و موانع پیشرفت زنان و تدوین قوانین لازم و اقدام در جهت نگرش جنسیتی در برنامه توسعه سوم (همان، ۲۱۰)

فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی مرکز امور زنان

فعالیت‌های آموزشی مرکز امور مشارکت زنان را جدا از دوره‌های آموزشی مختص کارکنان مرکز، می‌توان در سه حوزه دسته‌بندی کرد؛ آموزش برای توانمندسازی زنان، آموزش برای اصلاح یا تغییر ذهنیت‌ها و آموزش برای تربیت نیروی همراه با سیاست‌های مرکز. آموزش برای توانمندسازی زنان، عمدتاً در حوزه اشتغال تعریف شده بود؛ فعالیت‌هایی مانند ترویج کارآفرینی و توان‌افزایی زنان، آموزش بازاریابی و مدیریت به مدیران زن در تعاونی‌های زنان، اعزام زنان کشاورز به مجارستان برای آموزش تولید و بسته‌بندی محصولات و مواردی از این دست.

آموزش برای اصلاح یا تغییر ذهنیت‌ها نیز از جمله فعالیت‌های گسترده و تأثیرگذار مرکز بود که به کمک رسانه‌های همسو با این اندیشه‌ها، سازمان‌های غیردولتی که عمدتاً توسط فعالان فمینیست اداره می‌شد و مراکز دانشگاهی انجام گرفت؛ کارگاه آموزشی تحلیل جنسیتی، کارگاه آموزشی زن و اصلاحات، دوره آموزشی زوج‌های جوان، آموزش خانواده سالم، آموزش نگرش جنسیتی (پروژه مشترک مرکز امور مشارکت زنان و صندوق ملل متحد) از آن جمله‌اند. (شجاعی، ۱۳۸۴، ۳۶۴)

به گفته زهرا شجاعی پودمان‌های آموزشی شامل پودمان آموزشی اقتصاد خانواده، مدیریت علمی خانواده، حقوق زنان در خانواده و پودمان آموزشی مهارت‌های زندگی نیز یکی از فعالیت‌های مهم مرکز در این عرصه بود که از طریق کتاب و فیلم آموزشی تهیه شده توسط کارشناسان مورد تأیید، تعداد زیادی از زنان را تحت پوشش قرار داد. دوره‌های آموزشی مختلفی نیز برای زنان به خصوص در قالب سازمان‌های غیردولتی برگزار شد تا در آینده از ظرفیت این سازمان‌ها در راستای اهداف مرکز بهره گرفته شود. پژوهش‌های گسترده‌ای نیز در مرکز تعریف شد یا مورد حمایت قرار گرفت که عمده آن‌ها همسو با تفکر غالب بر مرکز و بعضاً تأییدکننده این جهت‌گیری‌ها بود.

نتایج یک پژوهش بنیادی در نیازسنجی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان و دختران کشور به تفکیک گروه‌های سنی مناطق جغرافیایی و فرهنگی نشان داد که اولین اولویت زنان ایرانی «اشتغال» و آخرین خواسته آنان «تسهیل در ازدواج» است. زهرا شجاعی، همین نتیجه را تأییدی بر جهت‌گیری درست مرکز در راستای توسعه اشتغال دانست؛ در حالی که منتقدان معتقد بودند حتی اگر سؤالات نظرسنجی بدون سوگیری طرح شده باشد و ارزش‌سازی از موفقیت شغلی به جای زندگی موفق خانوادگی توسط رسانه‌ها در این پاسخ‌گویی

بی تأثیر بوده باشد، باز هم گرایش اکثریت زنان نباید جای مصالح واقعی زنان جامعه را در جهت دهی به سیاست‌های کلی بگیرد.

از ۴۲ طرح پژوهشی انجام شده در مرکز مشارکت زنان که در کتاب «مشارکت زنان و دولت هشتم» آمده است، بیش از ۳۰ درصد از پژوهش‌ها به بررسی ابعاد مختلف اشتغال زنان در سازمان‌های دولتی و غیردولتی و بازار کار زنان پرداخته است و نزدیک به ۲۰ درصد از آن‌ها ابعاد مختلف مشارکت زنان را بررسی کرده است. ۲ پژوهش درباره مسئله ازدواج و ۲ پژوهش به وضعیت زنان سرپرست خانوار و ۲ پژوهش نیز به بحث‌های مربوط به برنامه توسعه کشور پرداخته است. موضوعاتی مانند خشونت علیه زنان، فرار از خانه، خودکشی زنان، تعیین ارزش کار خانگی زن، مشکلات زنان و دختران معلول، بحران هویت در دختران جوان و نیازسنجی، دیگر عناوین پژوهشی هستند.

تدوین برنامه عمل ملی زنان، ارتقای دستگاه ملی امور زنان، جریان سازی جنسیتی در نظام برنامه‌ریزی کشور از جمله برنامه چهارم توسعه، افزایش بودجه امور زنان، عضویت رئیس دستگاه ملی زنان در کابینه و شوراهای عالی تصمیم‌گیری، تداوم فعالیت و تأسیس مکانیزم‌های نهادین برای پیشرفت زنان، رشد ۹ برابری و توسعه کمی و کیفی سازمان‌های غیردولتی زنان، توانمندسازی اقتصادی زنان، رشد چشم‌گیر نرخ باسوادی زنان تا ۸۱٪، نرخ ۶۴٪ ورودی دختران به دانشگاه، اقدام به شناسایی و مشکلات حقوقی زنان و اقدام به تغییر برخی قوانین، تغییر انگاره‌های اجتماعی در مورد زنان، ایجاد حساسیت و آگاهی نسبت به علل و عوامل و آثار تبعیض و خشونت علیه زنان و واکنش جامعه در رسانه‌ای گروهی نسبت به آن، پیگیری افزایش ۶۳٪ مشارکت زنان در سطوح مدیریتی از جمله دستاوردهای زنان در دوره اصلاحات است. (همان، ۳۸۵) حضور زنان در دولت اصلاحات را میتوان اینگونه برشمرد:

- انتخاب دو زن در پست معاونت و ریاست محیط‌زیست و دیگری در پست مشاور رئیس جمهوری و رئیس مرکز امور مشارکت زنان
- حضور دو زن در سمت‌های معاونت پارلمانی و پژوهشی برای وزرای فرهنگ و ارشاد و وزیر بهداشت و درمان
- ایجاد ده پست مدیرکلی برای زنان در ارگان‌های چون شهرداری، وزارت کشور
- عضویت رئیس مرکز امور زنان در شورای اجتماعی کشور و حضور در هیئت دولت
- اولین دوره انتخابات شوراهای شهر و روستا که از مجموع ۷۲۷۶ نفر کاندیدهای زن که ۲/۲٪ از کل داوطلبان را تشکیل می‌دادند ۷۸۳ نفر به عضویت شورای شهر و روستا درآمدند
- ایجاد پست‌های مشاوران در امور زنان و ایجاد اداره زنان و حقوق بشر در وزارت خارجه

- ایجاد تحول در سمت‌های امور بانوان در وزارت کشور. تشکیل زنان و جوانان در سال ۷۹
- و حضور کارگروه در جریان تدوین برنامه سوم توسعه (مصفا، ۱۳۷۳، ۳۸۲)
-

نتیجه گیری

گفتمان انقلاب اسلامی با برجسته کردن نقاط ضعف هر یک از گفتمان‌ها از یک سو و ارائه راه حل مناسب از سوی دیگر از مخاطبان گفتمان سنتی و مدرن را که با آموزه های مطرح شده آنها انطباق و هماهنگی نداشتند دچار ریزش نموده و در صورت بندی گفتمان خود جذب کرد. اگرچه گفتمان در حوزه حقوق تغییر خاصی ایجاد نکرد اما در پرتو یک معرفت شناس جدید (تقدم هویت انسانی بر هویت جنسیتی) و تفکیک حوزه خانواده از حوزه اجتماع توانست عرصه جدیدی برای فعالیت و شکوفایی شخصیت زن متناسب با شرایط و اقتضائات زمانه خود بگشاید. انقلاب اسلامی فرصت ایفای نقش سازنده آنان را در ایجاد و استقرار ارکان مختلف نظام اسلامی فراهم آورد و موجب تاثیرات شگرف در استحکام و پایداری انقلاب از آغاز تا امروز شد. در دهه دوم انقلاب و پس از پایان جنگ تحمیلی زمان سازندگی فرا رسید و فرصت مغتنمی برای پیشرفت زنان در صحنه های مختلف فراهم شد. این دهه رویکرد جدیدی به جامعه زنان بود و موجب تشکیل نهادهایی برای رسیدگی و برنامه ریزی برای زنان شد. شورای فرهنگی - اجتماعی زنان وابسته به شورای عالی انقلاب فرهنگی اولین نهاد سیاستگذار در زمینه امور فرهنگی - اجتماعی زنان بود که طبق مصوبه یکصد و پانزدهمین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۶۶ گردید. شورای فرهنگی اجتماعی زنان پیشنهاد تشکیل معاونت رئیس جمهور در امور بانوان را به شورای عالی انقلاب فرهنگی عرضه کرد و این موضوع در جلسه شورای عالی با حضور رییس جمهور وقت شورای فرهنگی اجتماعی طرح و در نهایت منجر به تشکیل دفتر امور زنان در نهاد ریاست جمهوری در سال ۱۳۷۰ شد. از جمله مهم ترین رویدادهای سیاسی دهه دوم انقلاب رشد قابل توجه زنان داوطلب انتخابات و ورود تعداد بیشتری از آنان به مجلس شورای اسلامی بود. توجه به تشکل های غیر دولتی زنان نیز در دهه دوم شکل گرفت و حضور هیت نمایندگی زنان جمهوری اسلامی در کنفرانس پکن ۱۳۷۴ را می توان تجربه ای مفید از حضور بین المللی زنان به شمار آورد. تحولی که به واسطه انتخابات ریاست جمهوری در حماسه دوم خرداد ۱۳۷۶ در کشور به وقوع پیوست، منجر به تغییرات بنادین در رویکرد به مسائل زنان گردید. در اولین اقدام دفتر امور زنان براساس حکم ریاست جمهور به مرکز امور مشارکت زنان ارتقا یافت و ۲ تن از خانم ها با احراز مسئولیت های معاون و مشاور رئیس جمهور به عضویت کابینه در آمدند. که این امر

موجب ایجاد نگاه گستره تر و مبتنی بر ضرورت ها در عرصه تاثیر گذاری بر وضعیت زنان و تدوین برنامه سوم توسعه کشور با رویکرد جنسیتی شد جهت گیری های دولت در برنامه سوم توسعه و تفویض امر تصدی گری به مردم، پیش بینی بسترهای لازم برای تحقق آن و لحاظ تکالیف دستگاه های قانونی، فضای لازم برای سازماندهی حرکت های مردمی در قالب تشکل های دولتی و غیر دولتی را فراهم کرد. از آن به بعد سازمان های غیر دولتی زنان روبه فزونی نهاد. در نهایت میتوان گفت ظهور انقلاب اسلامی به عنوان یک پدیده مهم در تاریخ ایران و حتی به عنوان یک تحول نو در حوادث و اتفاقات قرن اخیر موجب بروز یک تفکر جدید در اندیشه انسانی شد و آن نوعی نگرش انسان مدارانه بر اساس مبانی اعتقادی اسلام بود که منشاء سیاستگزاری ها، برنامه ریزی ها و مبنای حکومت اسلامی در کشور گردید.

منابع

۱. اتابکی، تورج (۱۳۸۵)، گذر از کمالیسم سنتی، شهروند، مرداد، ش ۹
۲. الگار، حامد (۱۳۶۹)، دین و دولت در ایران: نقش علما در دوره قاجار ه، ترجم ابوالقاسم سرّی، تهران، توس.
۳. بروجردی، مهرداد (۱۳۷۷)، روشنفکران ایرانی و غرب، ترجمه جمشید شیرازی، تهران: فرزانه روز
۴. تاجیک، محمد رضا، (۱۳۷۹)، شکل گیری گفتمان هویت در ایران، مجله پژوهش متین، سال دوم شماره ۷
۵. --- (۱۳۷۷)، متن وانموده و تحلیل گفتمان، فصلنامه گفتمان سال اول
۶. ثقفی، مراد، (۱۳۷۴)، انجمن های ایالتی و ولایتی، مجله گفتگو، شماره ۹
۷. حقیقت، سید صادق، (۱۳۸۵)، روش شناسی علوم سیاسی، قم، انتشارات دانشگاه مفید
۸. ربیعی، علی، (۱۳۸۰)، جامعه شناسی تحولات ارزشی نگاهی به رفتار شناسی رای دهندگان در دوره دوم خرداد ۷۶. تهران، فرهنگ و اندیشه
۹. رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲) مشکله هویت ایرانیان امروز، تهران، نشر نی.
۱۰. رستمی، الهه (۱۳۷۹)، جنسیت، اشتغال و اسلام گرایی، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان
۱۱. زعفرانچی. لیلا سادات، (۱۳۸۵)، زن و خانواده در برنامه توسعه، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۳۳، سال ۸

۱۲. زیبا کلام، صادق، (۱۳۷۷)، سنت و مدرنیسم، تهران، نشر روزنه
۱۳. سازمان برنامه و بودجه. اولین گزارش ملی توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران
۱۴. سفیری، مسعود، (۱۳۷۸)، حقیقت و مصلحت ها. گفتگو با آقای هاشمی رفسنجانی. تهران، نشر نی
۱۵. شریف، محمد رضا، (۱۳۸۱)، انقلاب آرام، در آمدی بر تحول فرهنگی سیاسی در ایران. انتشارات روزنه،
۱۶. شجاعی، زهرا، (۱۳۸۳)، برای زنان فردا. تهران، معاونت امور مشارکت زنان، انتشارات سوره مهر، ج اول
۱۷.- (۱۳۸۴)، برای زنان فردا. تهران: معاونت امور مشارکت زنان، انتشارات سوره مهر، ج دوم
۱۸. غلامرضا کاشی، محمد جواد (۱۳۷۹) زن در کلام سیاسی، مجله زنان، شماره ۷
۱۹. فوران، جان (۱۳۸۲)، نظریه پردازی انقلابها، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نی
۲۰.- (۱۳۸۷)، مقاومت شکننده، ترجمه: احمد تدین، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا.
۲۱. فوزی، یحیی. (۱۳۸۴)، تحولات سیاسی و اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران. نشر عروج
۲۲. قبادی، ناصر، (۱۳۸۰)، تحلیل پدیده دوم خرداد ۷۶ در قالب تئوری انقلاب جانسون. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی
۲۳. قوام سید عبدالعلی، اسدی، مشکات، (۱۳۹۳) بررسی تطبیقی جایگاه زنان در گفتمان های مختلف تاریخ معاصر ایران، مجله مطالعات میان فرهنگی، سال نهم، ش ۲۳
۲۴. کسرائی، محمد سالار، نیکخواه قمصری، نرگس، (۱۳۸۸)، جنسیت و انقلاب، پژوهش نامه متین، سال یازدهم شماره ۴۴
۲۵. گزارش رئیس جمهور به مردم. اطلاعات ۲۷ اسفند ۱۳۷۹
۲۶. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، از جنبش تا نظریه اجتماعی، تاریخ دو قرن فمینیسم، تهران: پژوهش شیرازه.
۲۷. مصاحبه با شهلا حبیبی، (۱۳۷۶)، ما نیازمند ارتقای سطح تشکیلات دفتر امور زنان. مجله پیام زن، شماره ۱۶۲۵. مهر

۲۸. مصفا، نسرين. (۱۳۷۳)، نقش مشارکت سیاسی و توانمند سازی زنان. فصلنامه سیاست خارجی سال ۸. شماره ۳،
۲۹. مهرپور، حسین، (۱۳۷۹)، مباحثی در حقوق زن، تهران، نشر اطلاعات
۳۰. موسوی کاشمیری، مهدی (۱۳۸۴). حضور اجتماعی زنان، بایدها و نبایدها، ویژه نامه پیام زن، دفتر یکم، فروردین
۳۱. مولاوردی، شهین دخت (۱۳۸۴). زن ایرانی و تجربه بیست و پنج ساله حضور در مجامع بین المللی، ویژه نامه پیام زن، دفتر یکم، فروردین
۳۲. نجم آبادی، افسانه، (۱۳۷۸)، اقتدار نمایندگی بازبینی فعالیت های زنان در دوره رضا شاه، مجله گفتگو، آذر، ش ۴۴
۳۳. نیکخواه قمصری، نرگس (۱۳۹۰)، تحول نگرش نسبت به زن و تأثیر آن در انقلاب اسلامی، چاپ دوم، تهران، عروج.
۳۴. نیکخواه قمصری، نرگس (۱۳۹۶) تاملی بر نسبت فمینیسم با انقلاب اسلامی، مجله مطالعات اجتماعی ایران دوره دهم شماره یک بهار
۳۵. هاشمی، سید محمد (۱۳۸۱)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱، تهران، نشر میزان
۳۶. یزدخواستی، بهجت، (۱۳۷۲)، زنان و تغییرات اجتماعی، تهران، نشر نی